

حقوق شهدای ترور از منظر ایران و حقوق بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۹/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱۲/۱۰)

فروزان لطفی

فاطمه آریافر

چکیده

هم زمان با رشد جوامع صنعت، تکنولوژی و راهکار نوظهور در علم حقوق، قانونگذار ایران با آوردن زیان های معنوی در کنار زیان های مادی ناشی از جرایم و ایجاد توسعه در مفهوم ضرر، تحولی جدید در قوانین جزایی ایجاد نمود. لازمه ی یک سیاست جنایی کارآمد در نظام حقوقی توجه به حقوق بزه دیدگان و جبران کامل زیان های وارده بر آنان از رهگذر وقوع جرم است. هر جرم خسارت های خاص خود را بر بزه دیدگان وارد می سازد و جنایات تروریستی علاوه بر آثار مربوط بر نظم و امنیت جامعه، موجب ایراد خسارت های مادی، معنوی، روحی و روانی فراوانی بر قربانیان خود می گردند، با وجود خلاء های بی شماری در مسیر قانون گذاری جبران خسارت قربانیان اینگونه جرایم و چگونگی و نحوه ی استیفای حقوق بزه دیدگان این جنایات وجود دارد. اصل اولیه و مسلم در جبران خسارت ناشی از جرایم این است که بزه کار به عنوان عامل ورود زیان مسئول جبران خسارت است. اما به دلایلی نظیر متواری یا کشته شدن عاملین جرم و دلایلی دیگر امکان پذیر نیست به همین جهت برای حمایت از اینگونه بزه دیدگان اندیشه ی جبران خسارت توسط دولت مطرح گردید. در نتیجه بزه دیدگان جرایم تروریستی حق دارند، نسبت به جبران خسارت های خود به دولت ها مراجعه نمایند و دولت ها نیز جبران خسارت را به عنوان یک ضمانت در کنار سایر ضمانت ها به رسمیت می شناخته و مورد توجه قرار می دهند و اقدامی در جهت حفظ آرامش و احیای حقوق از دست رفته ی آنان انجام دهند.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، بزه دیده، تروریسم، مسئولیت





بخش اول: کلیات

ایراد عمدی یا حتی سهوی خسارت بر اشخاص یکی از مسائلی است که همواره مبنای اختلاف و درگیری در جامعه بوده و هست. از گذشته‌ی دور جبران خسارتهایی که در نتیجه جرم بر بزه دیدگان وارد می‌شده همواره مورد توجه قرار داشته است و یکی از اهداف اصلی قواعد مسئولیت مدنی بازدارندگی از ایراد خسارت به غیر، رعایت هنجارهای رفتاری و احترام به حقوق و تمامیت جسمانی و مالی دیگران است. برای مبنای جبران خسارت های مالی که جنبه‌ی مادی دارد به طور صریح در قوانین کشورها پذیرفته شده و تمام نظام های حقوقی اینگونه خسارت ها را قابل جبران می دانند. اما در جبران خسارت های معنوی که آثار جرم به خصوص بر روح و روان شخصیت و احساسات اشخاص وارد می شود به دلیل دارا بودن ماهیت غیرمالی و دشواری سنجش و تقویم آن با معیارهای مالی و یا مرسوم نبودن چنین ارزیابی هایی اختلاف نظر وجود دارد. در نظام حقوقی ما نیز نسبت به امکان جبران این خسارت ها ابهام جدی وجود دارد. با اینکه در برخی قوانین بر ضرورت جبران این خسارتهای تصریح شده ولی پاره ای اظهار نظرها از سوی مراجع قانونی و سکوت و اجمال قانون در بسیاری از موارد موجب نوعی تردید در اعتبار این مسئله شده است، در حالی که عدالت و لزوم احقاق کلیه حقوق از دست رفته بزه دیدگان جرم اقتضا می کند که ارزیابی و تحولی اساسی در این زمینه صورت گیرد جرم در تعریف ساده‌ی آن عبارت است از عملی که توسط شخص مرتکب سر می زند و موجب اخلال در نظم عمومی جامعه شده و در نتیجه جامعه از ارتکاب چنین عملی متضرر می گردد. در اکثر جرایم علاوه بر تعرض به حق جامعه حقوق بزه دیده نیز مورد تعرض قرار می گیرد، بر همین اساس جامعه حق دارد که در مقابل این اخلال واکنش و پاسخی به عمل مجرمانه و عامل آن از طریق اعمال مجازات بدهد. رویکرد بازگرداندن به وضعیت حال یعنی ترمیم حقوق بزه دیده از جمله اهداف مجازات بزهکار و جبران خسارت از بزه دیده می باشد.

بند اول: خاستگاه تروریسم

آنتونیو کاسسه چهار دلیل در خاستگاه تروریسم برشمرده است: ۱) وجود دولت‌های به شدت اقتدارگرا و نابرابری‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در این کشورها. ۲) گسست فرایند، مراکز قدرت در سطح بین‌المللی و در نتیجه ازدیاد «قطب‌های منافع» که از مشخصه‌های دوران جنگ سرد بود. این مراکز با حمایت از گروه‌های شورشی سایر کشورها که علاقه سیاسی - مذهبی ایدئولوژیک

مشترک داشتند، از آنها همانند ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های خود استفاده می‌کردند. (۳) ناتوانی جامعه بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد در ارائه پاسخ مناسب به درخواست‌های ملت‌ها برای کاهش تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح بین‌المللی و نبود ساز و کارهای پیشگیرانه برای جلوگیری از فوران منازعات اقتصادی و اجتماعی در سطوح ملی و فراملی. (۴) تحقق نیافتن اهداف منشور ملل متحد، از جمله دکترین‌های حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. به نظر کاسسه، جامعه بین‌الملل برخی انگیزه‌ها و علل تروریسم را مشروعیت می‌بخشد، اما روش‌هایی را محکوم می‌کند که برای تحقق این آمل و اهداف مورد استفاده قرار می‌گیرد. (کاسسه، ۱۳۷، ۳۱۸) کورت والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، در گزارش خود درباره تروریسم در سال ۱۹۷۲ نوشت: « بررسی این پدیده پیچیده بدون در نظر گرفتن انگیزه‌ها و زمینه‌های تروریسم سودی ندارد» وی بیشترین مسئولیت گسترش تروریسم را ناشی از دلایل زیر و متوجه دولت‌های بزرگ می‌داند: (۱) استفاده از حق و تو در شورای امنیت و قصور این دولت‌ها در ایفای تکالیفی که منشور ملل متحد بر عهده آنها واگذار است. (۲) توطئه‌گری دولت‌های بزرگ و جانب‌داری‌های یک‌طرفه آنها باعث شده است که سازمان ملل متحد در ایجاد همکاری بین‌المللی و حل مشکلات جهانی با ناکامی روبه‌رو شود. (۳) غصب حقوق ملت‌های مستضعف، چنان ظلم و محرومیتی بر آنها وارد آورده است که سازمان ملل قادر به جبران آن نیست. سیاست‌های مطرح‌شده از سوی والدهایم در واقع، بیان خاستگاه پدید آمدن تروریسم در عرصه جهانی است. تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل پدیده‌ای زشت، غیرقانونی و منفور تلقی می‌شود و خاستگاه آن میلیتاریسم و دولت‌های اقتدارگرا؛ نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ عدم تحقق اهداف منشور ملل متحد، نظیر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان؛ و وجود حق و تو و غصب حقوق ملت‌های مستضعف است که جامعه جهانی در مبارزه با آن تأکید دارد. هیچ ارتباطی بین تروریسم با مبارزات آزادی‌بخش وجود ندارد و این نوع مبارزات، قانونی تلقی می‌شود و دارای حقوق و تکالیفی در عرصه بین‌الملل است.

بند دوم: خاستگاه تروریسم از دیدگاه اسلام

هنوز تعریف جامع و مانعی از ترور ارائه نشده است تا بتوان به درستی آن را با مفاهیم موجود در فقه تطبیق داد. در فقه مفاهیمی همچون اغتیل، فتک و محاربه وجود دارد که هر چند ممکن است کاملاً مترادف معنای ترور نباشد، ولی به هر حال حاکی از مخالفت اسلام و قرآن با این افعال ناپسند و افعال



مشابه آن است. یکی از اصول مسلم در اسلام حفظ صلح و امنیت است. خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: «الضُّلْحُ خَيْرٌ» (سوره نساء، آیه ۱۲۸) و اصولاً هر کسی با صلح و امنیت و سازش مخالف باشد از نظر اسلام محکوم است. حال این مخالفت او با هر عنوانی (چه به صورت فتک باشد یا محاربه یا اغتیال) صورت بگیرد تفاوت نمی‌کند. از مهم‌ترین دلایل محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام این آیه شریفه است که می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (سوره مائده، آیه ۳۲) این آیه خطاب به قوم بنی اسرائیل در ارتباط با حادثه کشته شدن هابیل به دست قابیل بیان شده است. این آیه شریفه علاوه بر یک ضابطه و قاعده، یک مبنای فقهی را نیز مشخص می‌کند و آن این است که در ادیان الهی، از جمله اسلام، قتل نفس تنها به دو دلیل مجاز می‌باشد: یکی در قصاص و دیگری به‌عنوان مجازات افساد فی الارض. البته فساد در این آیه به معنای عام بوده و تنها به معنای اخص آن که محارب است، نمی‌باشد. در غیر این صورت قتل نفس نه تنها جایز نیست بلکه در فرهنگ قرآنی معادل با قتل همه نفوس و همه مردم می‌باشد. این آیه یکی از متفاوت‌ترین و صریح‌ترین آیات قرآنی و دلیل فقها بر اصل حرمت و کرامت انسانی در رعایت حقوق بشری انسان‌هاست. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «ان الله لم يخلقكم عبثاً» به این معنی که خدا شما را بیهوده و عبث نیافریده است. وقتی از ایشان می‌پرسند چرا خداوند انسان را آفریده، پاسخ می‌دهند: «ان الله خلقكم في حرم و جمع الفتكم و بشر نعمه عليكم و جناح كرامتها و اسألت لكم جداول نعيمها»: خداوند شما را در حرم امن خود (مکه) خلق کرد و میان شما الفت و دوستی قرار داد و نعمتش را بر شما گستراند. بنابراین جنایاتی که در تاریخ بشریت اعمال می‌شود با این اصل اساسی که مورد توجه اسلام است و آن مسأله صلح و سازش است، کاملاً مغایرت دارد. در روایات اسلامی نیز ترور منع شده است، از امام باقر (ع) نقل شده است: «کسی که در شهر اسلحه بکشد و کسی را زخمی کند، باید قصاص شود و...». (فراچیدی، ج ۳، ۹۹) و پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: «وقتی در معراج بودم، چیزهایی دیدم. پرسیدم: اینها چیست؟ گفتند: نشانه‌های آخرالزمان است، پرسیدم آخرالزمان چه نشانه‌هایی دارد؟ خداوند عزوجل فرمود: آخرالزمان وقتی است که علم محو شود و جهل ظاهر گردد، قاریان قرآن زیاد شوند و عمل کاهش یابد، ترور بالا رود، فقهای هدایت‌گرا اندک و فقهای گمراه و خیانت‌کار زیاد و شعر فراوان شود» (مجلسی، ج ۵۲، ۲۷۷) نتیجه‌ای که از بررسی روایات می‌توان گرفت آن است که ایمان مانع ترور است و مؤمن ترور نمی‌کند، یعنی اینکه ایمان ترور را منع



می‌کند، همانند کسی که دستش بسته و قادر نیست کاری انجام دهد. (مجلسی، ج ۴۷، ۱۳۷) براساس این روایات، هرگونه کشتن به صورت پنهانی (ترور) شرعاً حرام و ممنوع است. اسلام خدعه و نیرنگ را جایز نمی‌داند، مگر در جنگ. از نگاه فقها، تروریست همان محارب است که در روش و اهداف بعضاً با هم اشتراک دارند. از نظر فقها، «محارب کسی است که برای ترساندن مردم (ارعاب) اسلحه بکشد، چه در خشکی چه در دریا، چه در شب، چه در روز، چه در شهر، چه در بیرون شهر. این حکم برای مرد و زن یکسان است» (حلی، ج ۱، ۹۶۶) به نظر می‌رسد تا اینجا دو اصل مشترک در حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی وجود دارد: اول) دفاع مشروع و مجاز از حقوق طبیعی انسان؛ دوم) اینکه ترور اقدامی غیرانسانی و از نگاه وجدان بشری محکوم است. مهم آن است که بتوان میان این دو اصل تمایز قائل شد. دفاع مشروع در فقه اسلامی به رسمیت شناخته شده است و به دو دسته تقسیم می‌شود: دفاع فردی و دفاع از سرزمین و حاکمیت.

محقق حلی در این زمینه نوشته است: «انسان حق دارد از جان، حریم و مالش تا حد توان دفاع و در این زمینه به آسان‌ترین روش‌ها تکیه کند. پس اگر با فریاد کشیدن دفاع محقق می‌شود، به همان اکتفا کند و اگر با فریاد نشود با دست دفاع کند و اگر با دست کفایت نمی‌کند با عصا و اگر عصا کافی نیست با اسلحه می‌تواند دفاع کند. اگر متجاوز کشته یا مجروح شود، خونش هدر می‌رود؛ چه آزاد باشد چه بنده و اگر مدافع کشته شد در حکم شهید است». اما صاحب جواهر بر این باور است که «نصوص مطلق است و در آن از تدریج و ترتیبی که فقها ذکر کرده‌اند خبری نیست. از این رو، مدافع می‌تواند از سرسخت‌ترین وسایل دفاع در همان مراحل اولیه استفاده کند».

بند سوم: خاستگاه تروریسم در حقوق بین‌الملل

در اینجا با هدف روشن شدن ابعاد تروریسم در حقوق بین‌الملل به اختصار چند تعریف از تروریسم ارائه می‌شود: ۱) در بند یک ماده ۲ کنوانسیون تروریسم مصوب دسامبر ۱۹۷۷، در تعریف تروریسم آمده است: آدم‌کشی؛ قاتل کسی است که با توسل به اعمال جنایتکارانه به ایجاد رعب و وحشت در مردم یا دسته‌جات معین می‌پردازد. هرگاه کسی عمداً و به طور غیرقانونی، یک وسیله انفجاری کشنده را در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی یا در تأسیسات زیربنایی جاسازی، منفجر یا شلیک کند، تروریست محسوب می‌شود. ۲) کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در سال ۱۹۸۴ تعریف زیر را از تروریسم جهانی ارائه کرد: تروریسم جهانی عبارت از هرگونه



عملیات خشونت‌آمیز است که مشتمل بر یک عنصر بین‌المللی باشد و برضد شهروندان بی‌گناه و غیرنظامی - که تحت حمایت بین‌المللی قرار دارند - صورت گیرد. هم‌چنین هرگونه عملی که قوانین و مقررات بین‌المللی را نقض کند و آرامش و نظم جهانی را برهم زند و آن را با هرج و مرج و ترلز و مواجه سازد، اعم از آنکه در دوران صلح یا هنگام جنگ صورت پذیرد، در حکم تروریسم بین‌المللی خواهد بود. (۳) آخرین تعریف از «پل پیلار» در مورد تروریسم بدین شرح است: تروریسم عبارت از خشونت از پیش طراحی شده، با جهت‌گیری سیاسی برضد اهداف غیرنظامی از سوی گروه‌های خرد ملی و عوامل مخفی است که معمولاً برای تأثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شود.

این تعریف چهار رکن اساسی به شرح عناصر زیر است:

(۱) عنصر طراحی: طراحی براساس تفکری خاص برای اجرا برنامه‌ریزی می‌شود. (۲) عنصر سیاست: جهت‌گیری سیاسی که آن را از سایر خشونت‌های برآمده از انگیزه‌هایی هم‌چون انتقام شخصی، مالی و... متمایز می‌کند. مرتکبین این اعمال انگیزه‌های کلان دارند و می‌خواهند وضع موجود را تغییر دهند. (۳) بعد خشونت: مربوط به قربانیان تروریسم است؛ افرادی که توانایی دفاع از خود را ندارند. (۴) پنهان‌کاری: تروریست‌ها عوامل سری هستند که کارشان از عملیات نظامی دولت‌ها و کاربرد آشکار نیروی نظامی برضد اهداف نظامی متمایز است. با توجه به عناصر یادشده، روشن می‌شود که روش تروریست‌ها، هراس‌افکنی و خشونت غیرقانونی و استراتژی آنها دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی است که با اهداف جنایت‌کاران عادی تفاوت دارد. تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف خود، از تاکتیک‌های گوناگون نظیر بمب‌گذاری، ترور، انفجار، گروگان‌گیری و... استفاده می‌کنند. ناتوانی دولت‌ها در دستیابی به تعریف مشترک از تروریسم چالشی بزرگ در برابر طرح ملی و بین‌المللی مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود. این عدم دستیابی ناشی از عوامل متعددی، همچون عوامل ملی و سیاسی است؛ عواملی که بسیار پیچیده و متنوعند. این عوامل ریشه در شناخت تاریخی و باورهای مذهبی و گرایش‌های اجتماعی ملت‌هایی دارند که هر یک در برابر تعاریف پیشنهادی ملت‌های دیگر مقاومت می‌کنند. از جنبه بین‌الملل، ابتدا باید دید که ارکان و نهادهای ملل متحد در طی نیم قرن مبارزه با تروریسم چگونه عمل کرده‌اند و چه مفاهیمی از آن را برجسته کرده و مورد توجه قرار داده‌اند. از این نظر، توجه به ۱۳ کنوانسیون ضد تروریسم که با همت ملل متحد به تصویب رسیده، راهنمای ارزنده‌ای است.



بخش دوم: اسناد حقوق بین الملل مصوب با نظارت نظام ملل متحد

شیوه های به کار برده شده از طرف تروریستها عبارتند از: هواپیماربایی، گروگانگیری، خرابکاری، بمب گذاری، بانک زنی و آدم ربایی سیاسی و آدمکشی.

بمب گذاری، شکل غالب تروریسم را تشکیل می دهد. از اواخر قرن نوزدهم و با اختراع دینامیت، تروریستها ساختمان ها و اماکن عمومی شلوغ را مورد هدف قرار داده اند. اگرچه اغلب بمب گذاری ها تلفات به بار نمی آورند، تروریستها قادرند که خشونت هایی با تلفات بسیار زیاد را ترتیب دهند که بوسیله پیشرفتهای تکنولوژیکی در ابزارهای زمان بندی و مواد منفجره، تسهیل شده است. حملات مسلحانه ناگهانی به اهداف غیر نظامی همچنین مسافران خطوط هوایی، یا توریست های بازدید کننده از مکانهای تاریخی نیز از جمله شیوه های تروریست ها می باشد. با گذشت زمان قتل مقامات رسمی دولتی به تدریج کمتر شده است. شاید به این دلیل که مقامات دولتی هم اکنون به شدت محافظت می شوند. گروگانگیری راه مشخص برای چانه زنی مستقیم با دولت می باشد. تاکتیک های آن شامل ربودن هواپیماها و حتی قایقهای تفریحی، آدم ربایی و اشغال مسلحانه اماکنی چون سفارتخانه ها می شود. (پلینو، ۱۳۷۵، ۲۴۳)

اینک نه کنوانسیون چندجانبه بین المللی و دو پروتکل ذریبط درباره انواع خاص جرایم بین المللی که جرایم تروریستی شایع است، وجود دارد. هر کدام از این اسناد، مشتمل بر فهرست یا توصیفی عینی از جرایم ممنوعه است و اقداماتی مشخص جهت سرکوبی و مجازات آنها تبیین کرده است. طبق این اسناد، دولتهای عضو، ملزمند جرایم فهرست شده را طبق قوانین داخلی خود، قابل مجازات تلقی کنند و صلاحیتی اصلی درباره جرایمی خاص (مثل جرایم ارتكابی در قلمرو آنها یا توسط اتباعشان) مقرر دارند. به علاوه، تمام دیگر دولتهای عضو باید صلاحیت فرعی خود را بر هر جرمی که مجرم ادعایی متعاقباً در سرزمین آنها حضور پیدا کند و آنها وی را به دولتهای واجد صلاحیت اولیه و اصلی مسترد نمی دارند، اعمال نمایند. کلیه این اسناد، دولتهای عضو را ملزم می کند که با همدیگر، همکاری قضایی کنند. نیز به طور مستقیم یا از طریق امین، سند ذریبط اعمال مجرمانه ای که در قلمرو تحت صلاحیت آنها رخ داده، اقدامات اتخاذی، اشخاص تحت بازداشت و نتایج دادرسیهای علیه تروریستهای مظنون را به دیگر طرفها اطلاع دهند. تمام این اسناد، برای اجرا، صرفاً به حقوق داخلی هر دولت متکی است.





بند اول: اسناد مربوط به اقدامات علیه وسایل معین حمل و نقل یا تسهیلات خاص

تصرف و در اختیار گرفتن هواپیما یا کشتی غیر نظامی با زور یا تهدید یا حملات مسلحانه به فرودگاه های بین المللی یا سکوهای ثابت، اقدامات شایع تروریسم بین المللی بوده است. از این رو، دولت‌های عضو از آژانسهای تخصصی نظام ملل متحد که در این امور ذی صلاح هستند یعنی سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) و سازمان بین المللی دریایی (ایمو) درخواست نمودند که اسنادی را برای جلوگیری و مبارزه با چنین اقداماتی تهیه کنند. به همین خاطر، با حمایت ایکائو، چهار کنوانسیون چندجانبه تهیه و تنظیم شد که به ترتیب، اعمال غیرقانونی ارتكابی در هواپیما، تصرف غیر قانونی هواپیما، و اقدامات مجرمانه علیه امنیت هواپیمایی غیر نظامی و در فرودگاه‌های بین المللی را پوشش می دهد. دو سند دیگر، یکی به اعمال تروریستی علیه دریانوردی و دیگر به سکوهای ثابت مستقر در فلات قاره مربوط می شود و با حمایت سازمان بین المللی دریایی منعقد شده است.

۱. کنوانسیون راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما: این کنوانسیون که در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ در توکیو امضا شد (کنوانسیون توکیو)، اولین سند چندجانبه حقوقی بود که به معضل رو به رشد هواپیماربابی پرداخت. هدف اصلی این کنوانسیون، ایجاد صلاحیت اصلی دولت محل ثبت هواپیما درباره جرایم ارتكابی در هواپیمای غیر نظامی در حال پرواز یا بر فراز دریای آزاد یا در هر منطقه ای خارج از سرزمین دولت محل ثبت می باشد (مواد ۱ و ۳). گرچه این کنوانسیون، هیچ تعریف یا فهرستی از جرایم خاص یا اعمالی که باید سرکوب شود، ارائه نمی کند، اما ماده ۱۱ آن، به شکلی خاص از تروریسم؛ یعنی راهزنی هوایی مربوط می شود. ۲. کنوانسیون راجع به جلوگیری از تصرف غیر قانونی هواپیما: این کنوانسیون که در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۵ در لاهه امضا شد (کنوانسیون لاهه)، درصدد ارتقای سیستم همکاری بین المللی ایجاد شده به وسیله کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو می باشد. این هدف، با «تعریف جرم هواپیماربابی» (ماده ۱۱)، «الزام کشورهای عضو به وضع مجازاتهای شدید طبق قوانین ملی خود برای جرم مذکور» (ماده ۲) و یا «الزام دولت عضو به استرداد مجرم ادعایی یافت شده در سرزمین وی به یکی از دولتهایی که به آن جرم مربوط می شود یا ارجاع به مقامات ذیصلاح برای تعقیب» (اصل استرداد یا محاکمه ماده ۷)، محقق می شود. دولتهایی که با این جرم مرتبط هستند، مکلفند صلاحیت اصلی خود درباره چنین جرمی را اعمال نمایند. ۳. کنوانسیون



راجع به جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هوایمایی کشوری: این سند که در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال امضا شد (کنوانسیون مونترال)^۱، رژیم کنوانسیون ۱۹۷۱. لاهه علیه هوایماریابی را با توجه به دیگر انواع اقدامات خشونت بار علیه هوایمایی کشوری، تکمیل می‌کند. ۴. پروتکل مقابله با اعمال خشونت بار غیر قانونی در فرودگاههایی که برای هوانوردی بین‌المللی غیر نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد: تهیه و تنظیم این پروتکل که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ در مونترال صورت پذیرفت (پروتکل مونترال)^۲ مستقیماً به بمب‌گذاریهای انجام شده در فرودگاههای فرانکفورت و توکیو در ژوئن ۱۹۸۵ و حملات تروریستی در فرودگاههای رُم و وین در دسامبر همان سال مربوط می‌شود. این پروتکل، به فهرست مندرج در کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال، این موارد را افزوده است، این پروتکل در ۶ اوت ۱۹۸۹ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶، ۶۷ دولت، عضو پروتکل بوده‌اند. ۵. کنوانسیون راجع به مقابله با اعمال غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی: در واکنش به حمله تروریستی به مسافران یک کشتی مسافرتی که در اکتبر ۱۹۸۵ در دریای مدیترانه حرکت می‌کرد (سانحه آشیل لارو)، سازمان بین‌المللی دریانوردی، این کنوانسیون را در ۱۹ مارس ۱۹۸۸ در رُم تهیه کرد (کنوانسیون رُم)^۳. این کنوانسیون، درباره یک کشتی که از رهگذر یا از آبهای وری مرز خارجی دریای سرزمینی یک دولت یا محدوده کناری دریای سرزمینی آن با دولتهای مجاور حرکت می‌کند، اعمال می‌شود (جز کشتی جنگی یا کشتی دولتی) (ماده ۴). ۶. پروتکل راجع به مقابله با اعمال غیر قانونی علیه ایمنی سگوهای ثابت واقع در فلات قاره: این سند در ۱. مارس ۱۹۸۸ در رُم به امضا رسید.

بند دوم: اسناد راجع به اقدامات علیه مقولاتی خاص از اشخاص یا گروهان گیری

رهبران کشورها یا حکومت و مأموران دیپلماتیک، آماج تروریسم بین‌المللی بوده‌اند. تأثیرات و عواقب چنین حملات تروریستی، بویژه از آن حیث، وخیم و شدید خواهد بود که آن حملات، نه فقط ایمنی این اشخاص را به مخاطره می‌افکند، بلکه تهدیدی جدی برای حفظ روابط معمول بین

^۱ این کنوانسیون در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا شد و ۱۶۰ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند.

^۲ International Civil Aviation Organization, Document 9518, 27 ILM, P.627

^۳ International Maritime Organization, Document IEG 59/10, 27 ILM, P.672

این کنوانسیون در اول مارس ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد و ۳۳ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند...



المللی است؛ روابطی که برای همکاری میان دولتها ضروری قلمداد می‌شود. پرسنل ملل متحد و دیگر پرسنل وابسته که به ایفای وظیفه برای ملل متحد اشتغال دارند نیز بیشتر از گذشته در معرض حملات و دیگر اقدامات خشونت بار بوده‌اند. با این حال، جنبه‌ای دیگر از تروریسم بین‌المللی که نگرانی جدی جامعه بین‌المللی را باعث شده، گروگان‌گیری است. سه کنوانسیون چندجانبه در این باره موجود است که با حمایت ملل متحد تهیه شده و به طور مستقیم یا غیر مستقیم، این مسائل را مطمح نظر قرار داده است.

۱. کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی؛ از جمله نمایندگان دیپلماتیک: این پروتکل در اول مارس ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد و ۳۳ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند. این کنوانسیون به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ در نیویورک تنظیم شد (کنوانسیون نیویورک).^۱

۲. کنوانسیون راجع به ایمنی ملل متحد و پرسنل وابسته: هدف این کنوانسیون که در ۹ دسامبر ۱۹۹۴ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم شد^۲، دو گانه است: مقرر کردن حقوق و تکالیف دولتهای عضو و سازمان ملل متحد و پرسنل وابسته به آن، و ایجاد مسؤولیت کیفری فردی مرتکبان ادعایی حملات علیه آن اشخاص. با این نقطه ثقل دو گانه، قلمرو کنوانسیون، گسترده تر از دیگر اسناد مورد بحث می‌باشد. ۳. کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری: این کنوانسیون توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ تنظیم و تصویب شد و هدف آن، توسعه همکاری بین‌المللی در انجام اقداماتی مؤثر جهت جلوگیری، تعقیب و تنبیه تمام اقدامات گروگان‌گیری به عنوان تجلیات تروریسم بین‌المللی می‌باشد.

بند سوم: اسناد مربوط به استفاده از مواد یا وسایل معینی برای اهداف تروریستی

خطرات بالقوه نهفته در تحصیل و استفاده غیرقانونی از مواد هسته‌ای، باعث نگرانی شدید بین‌المللی شده است. با به کارگیری فزاینده انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز، این خطر که مواد هسته‌ای در اختیار تروریست‌ها قرار گیرد، افزایش یافته است.

^۱. این کنوانسیون در ۲۰ فوریه ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شد و ۹۲ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند.

^۲. Official Records of the General Assembly, Forty - nine session, Resolutions and Decisions (A/49/49), Vol. 1, resolution 49/59, annex

حوزه ای دیگر که جامعه بین المللی، نسبت به آن به شدت نگران است، استفاده از ادوات انفجاری پلاستیکی توسط تروریست ها به قصد انهدام هواپیما یا دیگر وسایل حمل و نقل و دیگر اهداف می باشد. در این زمینه، دو معاهده چند جانبه، با حمایت و توجه آژانس بین المللی انرژی هسته ای و سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری تنظیم و تصویب شده است. ۱. کنوانسیون راجع به حمایت فیزیکی از مواد هسته ای: برای انجام اقداماتی مؤثر جهت تضمین جلوگیری، کشف و مجازات جرایم مربوط به مواد هسته ای، آژانس بین المللی انرژی هسته ای، کنوانسیون مزبور را در ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ در وین تهیه کرد.^۱

۲. کنوانسیون علامت گذاری مواد انفجاری پلاستیکی به منظور تشخیص آنها: این کنوانسیون که توسط سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در اول مارس ۱۹۹۱ تهیه و تنظیم شد،^۲ واکنش مستقیم حقوقی بین الملل به انفجار پرواز شماره ۱۰۳ پان امریکن بر فراز لاکربی اسکاتلند در دسامبر ۱۹۸۸ محسوب می شود و به منظور منع (نه مجازات) استفاده از بمبهای پلاستیکی برای اقدامات تروریستی طراحی شده است. این کنوانسیون، دولت‌های عضو را ملزم می سازد که اقدامات ضروری مؤثر را جهت ممنوع کردن و جلوگیری از ساخت بمبهای علامت گذاری نشده در قلمرو خود و نیز وارد ساختن یا خارج کردن آن بمبها از سرزمینشان انجام دهند. دولت های عضو باید تمام ذخایر بمب های علامت گذاری نشده موجود در سرزمین خود را منهدم سازند یا در فعالیت هایی که مغایر با اهداف کنوانسیون نباشد، مصرف کنند و یا آنها را علامت گذاری نمایند. علاوه بر این، دولت های عضو، مکلفند نظارتی دقیق و مؤثری نسبت به بمب هایی که انحصاراً برای اهداف نظامی، پلیسی و تحقیقاتی ساخته یا نگهداری می شود و معاف از چنین اقداماتی است، روا دارند. این کنوانسیون، یک کمیسیون بین المللی فنی بمبها با مأموریت ارزیابی پیشرفتهای فنی مربوط به ساخت، علامت گذاری و تشخیص بمبها و گزارش یافته های خود به دولت‌های عضو و در صورت لزوم، ارائه توصیه به شورای سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری، طبق اصلاحات ضمیمه فنی کنوانسیون ایجاد می کند.

۱. International Atomic Energy Agency, Inf. circ./ 274/ Rev. 1., 18. ILM, p. 1419

این کنوانسیون در ۸ فوریه ۱۹۸۷ لازم الاجرا شد و ۵۵ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند.

۲. Official Records of the security council, forty-sixth year, supplement for January, February and March 1991, document S/ 22393, annex 1

این کنوانسیون هنوز لازم الاجرا نشده است و ۳۵ سند تصویب برای لازم الاجرا شدن آن، ضروری می باشد تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶، ۲۳ سند تصویب، تودیع شده بود.





بند چهارم: موافقت نامه های منطقه ای

علاوه بر کنوانسیونهای چندجانبه فوق که زیر نظر نظام ملل متحد تهیه شده، چندین موافقت نامه منطقه ای لازم الاجرا به منظور مقابله با تروریسم بین المللی منعقد شده است که همگی بر اصل استرداد یا محاکمه، مبتنی است. اولین سند، کنوانسیون جلوگیری و مجازات اقدامات تروریستی است که به شکل جرایم علیه اشخاص، اخاذی ها و تهدیدهای مهم بین المللی است که در ۲ فوریه ۱۹۷۱ توسط سازمان کشورهای آمریکایی تهیه شد. طبق این کنوانسیون، دولت‌های متعاقد، به همکاری با یکدیگر جهت انجام اقدامات مؤثر طبق قوانین خود، برای جلوگیری و مجازات نسبت به اقدامات تروریستی، ملتزم شده اند؛ به ویژه آدم ربایی، قتل و دیگر تعدیات علیه جان یا سلامت جسمی اشخاصی که طبق حقوق بین الملل، دولت، موظف به حمایت خاص از آنها می باشد و همچنین، اعمال اکراه و اجبار نسبت به این جرایم، علیه آن اشخاص. علاوه بر این، کنوانسیون اروپایی راجع به مقابله با تروریسم وجود دارد که در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ در استراسبورگ منعقد شد و هدف اصلی این کنوانسیون، خارج ساختن جرایم خاص تروریستی از مقوله جرایم سیاسی است؛ تا آنها را میان دولت‌های عضو، جزء جرایم قابل استرداد قرار دهد و بدین وسیله، این امر را برای مرتکبان چنین جرایمی دشوار سازد که از تعقیب و مجازات، بگریزند. سند دیگر، کنوانسیون منطقه ای راجع به مقابله با تروریسم است که توسط اتحادیه جنوب آسیا برای همکاری منطقه ای آماده شد. این کنوانسیون که در ۴ نوامبر ۱۹۸۷ در کاتماندو به امضاء رسید، مانند کنوانسیون اروپایی، مقرر می دارد که جرایم خاص تروریستی تعریف شده توسط این کنوانسیون، از جانب دولت‌های عضو اتحادیه جنوب آسیا برای همکاری منطقه ای، از حیث استرداد، به عنوان جرمی سیاسی تلقی نخواهد شد.

بند پنجم: رویکردهای حقوقی جامعه بین المللی در مقابله با تروریسم

برای شناسایی حقوق قابل اعمال بر مبارزه با تروریسم، توصیف حملات تروریستی از یک طرف و عملیات یا اقدامات ضد تروریستی از طرف دیگر ضروری است. منظور از توصیف، مقوله بندی موضوع در یکی از چارچوب های حقوقی موجود است که از طریق تبیین ماهیت موضوع مورد نظر

¹. United States Treaties and other International Agreements, Vol. 27, p. 3951

این کنوانسیون در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳ لازم الاجرا شد و ۱۱ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند.

صورت می پذیرد. در این راستا، تا کنون پنج رویکرد در مبارزه با تروریسم مورد شناسایی قرار گرفته است که عبارتند از:

۱. رویکرد سنتی: مبارزه کیفری با اعمال مجرمانه تروریستی

۲. رویکرد پیشگیرانه نسبت به اعمال کیفری تروریستی

۳. رویکرد مالی: خشکانیدن منابع مالی تروریسم

۴. رویکرد نظامی از طریق توسل به زور یک جانبه

۵. رویکرد نظامی از طریق توسل به زور چند جانبه.

این پنج رویکرد در حقیقت خرده رویکردهای موجود در مبارزه با تروریسم هستند که با ترکیب آنها می توان دو رویکرد اصلی موجود در مبارزه با تروریسم یعنی رویکرد اجرای قانون و رویکرد نظامی را شناخت. کنوانسیون های ضد تروریسم مدون شده با نظارت نظام ملل متحد که با اسناد منطقه ای تکمیل شده، مبنای حقوقی مستحکمی برای اقدام علیه تروریسم بین المللی فراهم آورده است. بجز کنوانسیون راجع به ایمنی ملل متحد و پرسنل وابسته و کنوانسیون راجع به علامت گذاری بمبهای پلاستیکی جهت تشخیص آنها، تمام کنوانسیون های چند جانبه فوق، لازم الاجرا شده و برخی از آنها مقبولیت جهانی یافته است. با وجود این، این مبنای حقوقی، نیازمند اقتداری بیشتر و قلمروی گسترده تر است تا اقدامات مؤثر برای توجه به معضل تروریسم بین الملل در تمام جنبه های آن، امکان پذیر گردد. برای نیل به این هدف، سازمان ملل متحد، وظایفی مهم به عهده دارد که باید انجام دهد: اولاً، سازمان ملل متحد باید دولتها را در اجرای مؤثر اسناد حقوقی موجود، یاری رساند. ثانیاً، سازمان باید همچنان به عنوان مرجعی برای پایه ریزی و ایجاد رویکرد سیاسی مشترک جهت جلوگیری، نظارت و مبارزه با تروریسم بین المللی، مورد استفاده قرار گیرد. ثالثاً، مجموعه کنوانسیونهای بین المللی باید برای پرداختن به مسائل کلیدی مقابله با تروریسم که هنوز تحت پوشش آن اسناد قرار نگرفته است، گسترش یابد. رابعاً، سازمان ملل باید دولتها را تشویق کند که چارچوب حقوقی جامعی برای اقدام علیه تروریسم بین المللی؛ از جمله، تهیه و تدوین یک کنوانسیون عام راجع به مقابله با تروریسم بین المللی، فراهم آورند. (آزمایش، ۱۳۸، ۱۶۸)



نتیجه گیری

توجه و به رسمیت شناختن حقوق قربانیان جنایات بین المللی از زمان تشکیل دادگاه های کیفری بین المللی روند توسعه و گرایش رو به رشدی را در راستای احترام به حقوق قربانیان و جبران خسارات از آسیب ها و ضررهایی که در ارتباط با جنایات بین المللی متحمل شده اند طی کرده است. مقررات دیوان کیفری بین المللی در ارتباط با حقوق حفاظتی، مشارکتی و جبران خسارت قربانیان تحول چشمگیری در حقوق بین الملل کیفری محسوب می شود. در میان دادگاه های کیفری بین المللی می توان گفت که تنها دیوان کیفری بین المللی و شعب فوق العاده دادگاه کامبوج مقررات مناسب و موسعی را برای احقاق حقوق قربانیان جنایات بین المللی در نظر گرفته اند. با این حال این مراجع کیفری بین المللی برای اعمال مؤثر تعهدات و وظایفشان با چالش ها و موانع متعددی روبرو می باشند. کمبود منابع مالی، وسعت خسارات وارده و تعداد زیاد قربانیان، کاستی های حقوقی و قضائی و کمبود کارشناسان و متخصصان از جمله چالش های پیش روی این دادگاه ها برای حمایت و اجرای حقوق قربانیان محسوب می شود. مقررات، رسیدگی ها و احکام دادگاه های ویژه کیفری بین المللی به طور کلی در ارتباط با احقاق حقوق قربانیان ناکافی و نامناسب بوده و به طور گسترده ای بر نقش قربانیان به عنوان شاهد در دادگاه تمرکز داشته اند. جبران خسارت قربانیان در دادگاه های ویژه کیفری بین المللی به دادگاه ها و مراجع ملی ارجاع داده شده و با استناد به آگهی و آشنایی این مراجع با واقعیات و نیازهای قربانیان بر سازوکارهای ملی برای حمایت از حقوق قربانیان و جبران خسارت تکیه و اعتماد شده است. این در حالی است که جبران خسارت در مراجع ملی مشکلات و چالش های فراوانی را در پیش رو خواهد داشت. در اجرای حقوق قربانیان و جبران خسارت آنان در مراجع ملی دولت هایی که خود و مقاماتشان مرتکب جنایات بین المللی شده اند، ضمانتی برای استقلال و عادلانه بودن رسیدگی ها وجود ندارد. نظام قضایی دولت ها پس از پایان جنایات بین المللی معمولاً از هم پاشیده و سقوط کرده است و به همین دلیل منابع کافی و توانایی لازم نیز برای احقاق حقوق قربانیان وجود نخواهد داشت و به این دلیل تا کنون تعداد محدودی از دولت ها اقداماتی را برای جبران خسارت قربانیان انجام داده اند. با اینکه گام های چشمگیری در ارتباط با حقوق قربانیان و جبران خسارت آسیبی که آنان در نتیجه ارتکاب جنایات بین المللی متحمل شده اند در چارچوب مقررات حقوق بین الملل کیفری برداشته شده است، اما همچنان اقدامات و منابع گسترده و



پیشرفته تری برای اجرای عدالت و دادخواهی قربانیان و بازماندگان نقض های شدید حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی از طریق دادگاه های کیفری بین المللی باید پیش بینی و اعمال شود تا عدالت برای قربانیانی که متحمل آسیب و رنج مستقیم را از ارتکاب جنایات بین المللی شده اند به اجرا در آید. همان گونه که از بررسی متون قانونی و آرا و نظرات حقوقدانان برمی آید مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات تروریستی، علی رغم ماهیت ویژه خود، در سیستم مسولیت مدنی ایران دارای نظام خاصی چه از لحاظ مبنای مسولیت و چه از لحاظ سیستم جبران خسارت نمی باشد. با مقارنه و تطبیق سیستم حقوقی ایران با نظام های حقوقی مخصوصاً فرانسه که در این خصوص جز کارآمدترین نظام های حقوقی و از پیشگامان این امر می باشد موارد ذیل برای حمایت از حقوق قربانیان این نوع اقدامات پیشنهاد می گردد:

۱. پیش بینی صندوق مخصوص و ویژه برای پرداخت خسارات قربانیان این نوع اقدامات.
۲. برقراری مستمری از کارافتادگی و جبران کلیه خسارات مادی و معنوی قربانیان مذکور.
۳. پیش بینی آیین دادرسی ویژه، به نحوی که قربانیان بدون مراجعه به مراجع قضایی به صندوق یا نهادهای ذی ربط مراجعه نمایند.
۴. اصلاح مقررات قانونی در خصوص موضوع و وضع مقررات خاص در راستای حمایت از حقوق قربانیان.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، مترجم: حسین انصاریان، انتشارات آیین دانش، ۱۳۹۲.
۲. آزمایش، علی، تروریسم بین المللی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلام رضوی، شماره دوم زمستان ۱۳۹۴..
۳. پطروس غالی، پطروس، سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم بین المللی ترجمه دکتر قاسم زمانی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلام رضوی، شماره دوم زمستان ۱۳۸۹..
۴. پلینو، جک، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حسن پستا، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
۵. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین الملل در جهان نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان، دفتر خدمات حقوق بین الملل، ۱۳۸۵..
۶. فراحیدی، خلیل احمد، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۳. تاج العروس، ج ۱.
۷. فلک، پروفیسور دیتر، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، با اهتمام دکتر سید قاسم زمانی و دکتر نادر ساعد، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر داری ۱۳۸۸.
۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف، تآکره الفقهاء، ج ۱.
۹. مجلسی، علامه، بحار الانور، ج ۴۷ و ج ۴۷.

